

۲ متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی بررسی نمایید:

«فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده.»

سعدی

۳ وزن بیت زیر را بنویسید.

ز یزدان دان، نه از ارکان که کوتاه دیدگی باشد
که خطی کز خرد خیزد، تو آن را از بنان بینی

سنایی



فصل سوم



تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم

درس هفتم

پایه‌های آوایی همسان (۲)

درس هشتم

استعاره

درس نهم

* کارگاه تحلیل فصل

درس هفتم

تاریخ ادبیات فارسی

در قرن های دهم و یازدهم

قرن دهم

در این قرن حکومت در دست جانشینان تیمور بود؛ به گونه‌ای که در هر گوشه‌ای حاکمی از آنان حکومت می‌کرد. اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در این دوره به‌طور کلی و وضع ادبیات نیز، به تبع آن آشفته شده بود. در این سال‌ها دو جریان شعری بیشتر رونق داشت:

یکی شعر لطیف و فصیحی بود که به‌طور طبیعی و به‌شبهه کسانی مثل حافظ و سعدی در جریان بود و بابا فغانی شیرازی از نمایندگان آن است. دیگری مکتب وقوع که نتیجهٔ چاره‌اندیشی شاعران برای تغییر سبک و رهایی از گرفتاری تقلید بود و بازتاب طبیعی محیط اجتماعی قرن دهم بود که البته راه به‌جایی نبرد.

سیطرهٔ درازمدت مغولان و تیموریان بر سرزمین ایران و ویرانی‌ها و خرابی‌هایی که در همهٔ ابعاد و زمینه‌ها به‌بار آوردند، دانش، فرهنگ و ادبیات را تحت الشعاع خود قرار داد. بعد از ظهور شاعران بزرگی چون سعدی، مولانا و حافظ در دورهٔ عراقی، به دلیل تسلط طولانی مدت مغولان و تیموریان، جایی برای رشد زبان و ادبیات فارسی و ادیبان باقی نماند.





شاعران این دوره تشخیص داده بودند که سبک عراقی از واقعیت دور شده و کاملاً جنبه ذهنی و تخیلی یافته است و با ادامه پایبندی به سنن ادبی نابود می‌شود. پس باید به سوی حقیقت‌گویی و واقع‌گویی بازگشت. شاعران برای این کار نیازمند پرداختن به مسائل اجتماعی و انتقادهای سیاسی بودند و قالب غزل با توجه به نقش و سابقه کاربردش، اجازه جولان بیشتر در این میدان را نمی‌داد.

در این دوره از یک سو به دلیل کم‌توجهی و بی‌مهری شاهان صفوی نسبت به شاعران و از سوی دیگر شاعران نوازی و ادب‌گرایی سلاطین هند، شاعران به دربارهای هند روی آوردند. به همین دلیل با شوق و شور تمام راهی آنجا شدند و برخی از آنان پس از کسب شهرت و ثروت، به ایران بازگشتند. آشنایی با تفکرات و معارف هندوان کم و بیش در تغییر سبک دخیل بود.

فرهنگ هند، در این دوره از فرهنگ ایرانی همچنان تأثیر می‌پذیرفت و فضایی هند از تألیف کتاب و سرودن شعر به زبان فارسی و به‌جا دادن به فرهنگ آن، استقبال می‌کردند. شاهان گورکانی هند نیز همگی به فارسی سخن می‌گفتند. زبان فارسی که در شبه‌قاره هند استحکام و استقرار لازم را به دست آورده بود، همه‌گیر و رسمی شد و تا زمان حاکمیت استعمار انگلیس در هند زبان رسمی آن دیار بود.

هم‌زمان با رشد ادبیات در هند، اصفهان، نیز که پایتخت و محل اجتماع شعرا و فضلا بود، از دیدگاه ادبی توسعه یافت. به جز اصفهان، مناطق دیگر ایران هم رشد و توسعه و شور و جنبشی یافت؛ مثلاً خراسان، آذربایجان و نواحی مرکزی ایران به کانون‌های مهمی برای شاعران، هنرمندان و دانشمندان تبدیل شد.

هر چند شاهان صفوی در ترویج و نفوذ زبان ترکی در ایران نقش بسزایی داشتند؛ اما کم و بیش به زبان فارسی نیز کتاب نوشته یا شعر گفته‌اند و به نوعی علاقه نشان داده‌اند. افزون بر آن، برخی از ایشان مقام شیخی و رهبری طریقت داشتند و از این رو لازم می‌دانستند خود را در چنین مقام فرهنگی نگاه دارند، علاوه بر این با رؤسای مذاهب در تماس نزدیک بودند و از طرف دیگر، رقبایی چون شاهان عثمانی و هندی داشتند که آنها نیز به مسائل فرهنگی توجه نشان می‌دادند. این عوامل باعث شده بود که به‌طور کلی شعر و شاعری و معماری و انواع هنر مورد توجه قرار گیرد. در نتیجه هنرهایی چون قالی بافی، سفالگری،



شیشه‌سازی، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در دوران صفویه رشد فراوان یافت. بهزاد در دوره شاه اسماعیل و رضا عباسی در دوره شاه عباس از مفاخر هنرند.

■ باباغانی شیرازی

از شعرای تأثیرگذار این قرن در ایران است که شعرش از نظر دقت، ظرافت و رقت معانی مشهور است.

■ وحشی بافقی

نیز از دیگر شاعران این دوره است که سبک شعرش حد واسط سبک دوره عراقی و دوره بعد، یعنی سبک هندی است و واقع‌گرای بی‌شاکسته اصلی آن است.

■ محتشم کاشانی

از دیگر شاعران این دوره، در سرودن شعر مذهبی معروف و ترکیب‌بند عاشورایی او زبانزد است: باز این چه شورش است که در خلق عالم است باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی‌نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است...

قرن یازدهم

حکومت صفوی پس از کشاکش‌های به وجود آمده در ایران روی کار آمد و مذهب شیعه را ترویج کرد و به شعر ستایشی و درباری و عاشقانه‌های زمینی بی‌توجه بود؛ از این رو شاعران سروده‌های خود را بیشتر با مضامین پند و اندرز، توصیف و بیان امور طبیعی و همچنین تبدیل موضوعات و تمثیلات کهن به مضامین تازه و به زبان جدید همراه کردند. وابسته نبودن شعر به دربار و از بین رفتن طبقه مدیحه‌سرایان درباری باعث شد که طبقات و گروه‌های بیشتری مدعی شعر و شاعری شوند. از سوی دیگر بها ندادن به شعر ستایشی در ایران، موجب شد که شاعران مدیحه‌سرا برای امرار معاش یا ثروت‌اندوزی راهی دیار هند شوند؛ زیرا آنجا به رسم دربارهای قدیم ایران هنوز بازار قصیده و مدح رواج داشت. رفاه اقتصادی مردم در دوره صفوی و آبادانی شهرهای ایران و رونق تجارت و کسب و کار، این امکان را برای همه مردم فراهم آورده بود که هر کس به اندازه توان خود به امور فرهنگی از جمله ادبیات بپردازد.



از طرف دیگر به سبب آشنایی ایرانیان با اروپا، مراکز تجمعی مثل قهوه‌خانه‌ها نیز دایر شد و شاعران در آنجا به مشاعره، مناظره و نقد آثار یکدیگر می‌پرداختند.
از معروف‌ترین شاعران این قرن می‌توان افراد زیر را نام برد:

■ کلیم کاشانی

در ابداع معانی و خیال‌های رنگین مشهور است و این ویژگی به غزل‌های او لطف و ویژه‌ای بخشیده است. ضرب‌المثل‌ها و الفاظ محاوره که زبان غزل این دوره را به افق خیال عامه نزدیک کرده، سخن او را برجسته ساخته است. وی با به‌کار بردن مضمون‌های ابداعی فراوان «خلاق‌المعانی ثانی» لقب گرفت.

■ صائب تبریزی

معروف‌ترین شاعر سبک هندی و از پرکارترین شاعران فارسی‌زبان است. او در غزل‌سرایی مشهور است و برخی از تک‌بیت‌های غزلش شاهکارهایی از ذوق و اندیشه‌اند و بسیاری از آنها به‌صورت ضرب‌المثل رواج یافته‌اند. صائب را خداوندگار مضامین تازه شعرى دانسته‌اند.

■ بیدل دهلوی

او را به‌سبب سرودن غزل‌های خیال‌انگیز و به‌کار بردن مضمون‌های بدیع و گاه دور از ذهن می‌شناسیم. از ویژگی‌های عمده شعر بیدل، مضمون‌های پیچیده و استعاره‌های رنگین، خیال‌انگیز و سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه است.

خودارزیابی

۱ ایبات زیر را از نظر مضمون بررسی کنید:

بخیهٔ کفشم اگر دندان نماند، عیب نیست خنده می‌آرد همی بر هرزه‌گردی‌های من
ریشهٔ نخل کهن سال از جوان افزون تراست بیشتر دل‌بستگی باشد به دنیا پیر را

صائب تبریزی

۲ زبان فارسی در دورهٔ صفویان چه موقعیت و جایگاهی داشت؟



۳ ویژگی‌های عمده شعر بیدل را با توجه به غزل زیر بررسی کنید:

برق با شوقم شراری بیش نیست	شعله طفل نی سواری بیش نیست
لاله و گل زخمی خمیازه‌اند	عیش این گلشن خماری بیش نیست
تا به کی نازی به حسن عاریت؟	ما و من آیینه‌داری بیش نیست
می‌رود صبح و اشارت می‌کند	کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست
غرقة وهمیم؛ ور نه این محیط	از تنک آبی کناری بیش نیست
ای شرر، از هم‌رهان غافل مباش	فرصت ما نیز باری بیش نیست
بیدل، این کم هم‌تان بر عزّ و جاه	فخرها دارند و عاری بیش نیست

بیدل دهلوی

۴ چه عواملی موجب شد شاعران ایرانی به دربار هند روی آورند؟

۵ شهرت محتشم کاشانی در چه نوع شعر و قالب شعری است؟ در این مورد توضیح دهید.
۶ در قرن هشتم تأثیرپذیری از گذشتگان چگونه در شعر خواجوی کرمانی و حافظ جلوه‌گر شد؟

۷ ابیات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی

سنایی

چو او شهر ایران به گشتاسب داد نیامد تو را هیچ از آن تخت یاد

فردوسی

الف) مجاز را در بیت‌های بالا بیابید و معنای حقیقی و غیرحقیقی هر کدام را مشخص کنید.

ب) نشانه‌های هجایی و پایه‌های آوایی بیت‌ها را مشخص کنید.



درس هشتم

پایه‌های آوایی همسان^۱

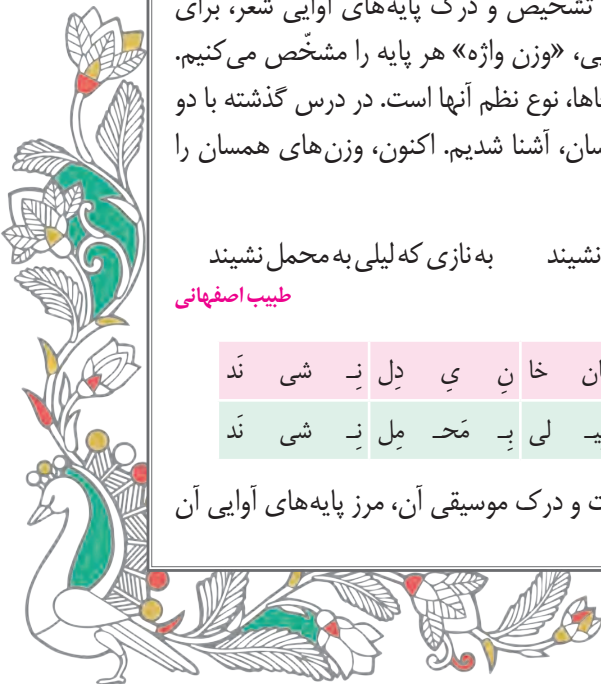
آموختیم که برای درک پایه‌های آوایی شعر، هجاها یا نشانه‌های هجایی را به دسته‌هایی منظم برش می‌زنیم یا با خط عمودی، مرز هر دسته از هجاها را مشخص می‌کنیم. پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی شعر، برای درک بهتر نظم پایه‌های آوایی، «وزن واژه» هر پایه را مشخص می‌کنیم. نکته مهم در دسته‌بندی هجاها، نوع نظم آنها است. در درس گذشته با دو نمونه از پایه‌های آوایی همسان، آشنا شدیم. اکنون، وزن‌های همسان را فرامی‌گیریم.

غمش در نهان خانه دل نشیند به نازی که لیلی به محمل نشیند

طیب اصفهانی

غَ	مَش	دَر	نَ	هَان	خَانِ	یِ	دِلِ	نِ	شِ	نَد
پَ	نَا	زِی	کِ	لِی	پَ	مَح	مِلِ	نِ	شِ	نَد

پس از خوانش درست بیت و درک موسیقی آن، مرز پایه‌های آوایی آن



را مشخص کرده‌ایم. هر مصراع این بیت از چهارپایه همسان تشکیل شده است. وزن این بیت «فعولن» (ت تن تن) است. برای اینکه نظم هجاها را بهتر نشان دهیم، نشانه‌های هجایی هر پایه را مشخص می‌کنیم.

غَ مَش دَر نَ هانِ خا نِ یِ دِلِ نِ شی نَد	پایه‌های آوایی			
بِ نا زی کِ لِی لِی بِ مَح مِلِ نِ شی نَد	وزن			
فعولن	فعولن	فعولن	فعولن	نشانه‌های هجایی
--U	--U	--U	--U	

به بُرش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت زیر، توجه کنید:
خدایا به خواری مران از درم که صورت نبندد دری دیگرم

سعدی

خُ دا یا بِ خا ری مَ را نَز دَ رم	پایه‌های آوایی			
کِ صو رَتَ نَ بَنَد دَ ری دی گَ رَم	وزن			
فعولن	فعولن	فعولن	فَعَل	نشانه‌های هجایی
--U	--U	--U	-U	

نظم و چینش هجاهای این بیت در هر پایه، با نمونه قبلی یکسان است؛ هر دو بیت با یک آهنگ و وزن سروده شده‌اند و هجاهای کوتاه و بلند آنها به صورت یکسان از پی هم آمده‌اند؛ اما تعداد هجاهای پایه چهارم این دو بیت با هم تفاوت دارند. به بیان دقیق‌تر، «وزن» این بیت «فعولن فعولن فعولن فعل» است، در این بیت یک هجا از پایه آخر حذف شده است. بنابراین در هریک از وزن‌های همسان، ممکن است یک هجا یا بیشتر از پایان آن حذف شود؛ گاهی هم یک پایه، به صورت کامل حذف می‌شود؛ یعنی هر مصراع، به جای



چهار پایه، سه پایه دارد. اکنون به پایه‌های آوایی این بیت دقت کنید:

گر جان عاشق دم‌زند، آتش در این عالم‌زند وین عالم‌بی‌اصل‌را، چون ذره‌ها بر هم‌زند

مولوی

گَر	جَانِ	عَاشِقِ	دَمِ	زَنَدَ	آتَشِ	دَرِ	یْنِ	عَالَمِ	بِ	اَصْلِ	رَا	چُونِ	ذَرِّهٔ	هَآ	بَرِ	هَمِ	زَنَدَ
وین	عالم	م	بی	اصل	را	چون	ذره	ها	بر	هم	زند						

هر مصرع این بیت، از چهار پایه همسان تشکیل شده‌است. به بیان دیگر، هر مصرع بخش‌ها و پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی دارد. وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مستفعلن» (تن تن ت تن) تشکیل شده‌است.

برش پایه‌های آوایی و نشانه‌های هجایی بیت، به شکل زیر است:

گَر	جَانِ	عَاشِقِ	دَمِ	زَنَدَ	آتَشِ	دَرِ	یْنِ	عَالَمِ	بِ	اَصْلِ	رَا	چُونِ	ذَرِّهٔ	هَآ	بَرِ	هَمِ	زَنَدَ
وین	عالم	م	بی	اصل	را	چون	ذره	ها	بر	هم	زند						
مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U	-U
پایه‌های آوایی				وزن				نشانه‌های هجایی									

افزون بر آنچه تاکنون از اوزان همسان گفته‌ایم، پایه‌های آوایی همسان دیگری در وزن شعر فارسی وجود دارد؛ برای نمونه به نظم هجاها و پایه‌های همسان این بیت توجه کنید:

یار شدم یار شدم با غم تو یار شدم

تا که رسیدم بر تو، از همه بیزار شدم

مولوی



یا ر شُد دَم	یا ر شُد دَم	با غَم تْ	یا ر شُد دَم	پایه‌های آوایی
تا کِ رِ سی	دَم بَ رِ تْ	از هَم بی	زا ر شُد دَم	
مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	وزن
—UU—	—UU—	—UU—	—UU—	نشانه‌های هجایی

تقسیم هجاهای این بیت، به دسته‌های چهار تایی، نظمی همسان ایجاد می‌کند. وزن هر مصرع این بیت از چهار وزن واژه «مفتعلن» (تن ت تن) تشکیل شده است. به شعر زیر، دقت کنید.

ای نفس خرم باد صبا از بر یار آمده‌ای، مرحبا

سعدی

ای نَفَسِ خُرَمِ بَادِ صَبَا	پایه‌های آوایی		
اَز بَرِ یَا رَا مَدِ ای مَرَحَ بَا			
مفتعلن	مفتعلن	مفتعل (فاعلن)	وزن
—UU—	—UU—	—U—	نشانه‌های هجایی

بیت زیر از پایه‌های آوایی همسان تشکیل شده است؛ اما چینش نشانه‌های هجایی آن متفاوت است؛ همین موضوع سبب می‌شود که «وزن واژه» دیگری پدید آید. این «وزن واژه»، «فعالتن» (ت تن تن) است.

تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی تو نمایندهٔ فضلی تو سزاوار ثنایی

سنایی غزنوی

تُ خَ کِ می	تُ عَ ظِ می	تُ کَ رِ می	تُ رَ حِ می	پایه‌های آوایی
تُ نَا یِ	دِ یَ فُضْ لِ	تُ سِ زَا وَا	رِ ثَ نَا یِ	
فعالتن	فعالتن	فعالتن	فعالتن	وزن
—UU—	—UU—	—UU—	—UU—	نشانه‌های هجایی



خودارزیابی



۱ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی هر یک را در خانه‌ها جای دهید:

الف) بخندد همی باغ، چون روی دلبر ببوید همی خاک، چون مشک اذفر^۱

رودکی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ب) هین سخن تازه بگو، تادو جهان تازه شود وارهد از حدّ جهان، بی حد و اندازه شود

مولوی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

۱. اذفر: خوشبو



پ) دریادلان راه سفر در پیش دارند پا در رکاب راهوار خویش دارند
حمید سبزواری

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ت) سوزد مرا، سازد مرا، در آتش اندازد مرا وز من رها سازد مرا، بیگانه از خویشم کند
رهی معیری

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ث) ای به ازل بوده و نابوده ما وی به ابد زنده و فرسوده ما
نظامی گنجوی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



ج) سعادت به بخشایش داور است نه در چنگ و بازوی زورآور است

سعدی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ج) جر می‌ندارم بیش از این، کز جان وفادارم تو را ور قصد آزارم کنی، هرگز نیازم تو را

انوری

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ج) نظر آوردم و بردم که وجودی به تو ماند همه‌اسمند و تو جسمی، همه‌جسمند و تو روحی

سعدی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



۲ غزل زیر از کلیم کاشانی را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

گر تمنای تو از خاطر ناشاد رود داغ عشق تو گلی نیست که از یاد رود
 نرود حسرت آن چاه زنخدان از دل تشنه راه، آب محال است که از یاد رود
 نتوان از سر او برد هوای شیرین لشگر خسرو اگر بر سر فرهاد رود
 کاش چون شمع، همه سر شود اعضای کلیم تا سراسر به ره عشق تو بر باد رود

الف) ویژگی‌های شعر کلیم را در غزل بالا مشخص کنید.

ب) یک مجاز در بیت سوم مشخص کنید.



درس نهم

استعاره

در درس پیش آموختیم که گاهی مجاز بر بنیاد شباهت استوار است و علاقه و پیوند بین معنای حقیقی و غیرحقیقی، علاقهٔ مشابهت است؛ این نوع مجاز را، استعاره می‌گویند. استعاره، یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ برای مثال:

با کاروان حلهٔ برفتم ز سیستان با حلهٔ تنیده ز دل بافته ز جان

فرخی سیستانی

در این بیت، فرخی دو بار کلمهٔ حله را به کار برده است. در مصراع اول حله در معنای حقیقی (جامهٔ حریر) به کار رفته و در مصراع دوم آن را به قرینه‌های تنیده ز دل و بافته ز جان در معنای غیرحقیقی (شعر) به کار برده است. دلیل آن هم شباهت این دو از نظر لطافت و نرمی جامهٔ حریر و شعر بوده است. از سویی دیگر می‌توان گفت شاعر، شعر را در لطافت و نرمی به حله تشبیه کرده و مشبه (شعر) را حذف نموده، مشبه به (حله) را به جای آن آورده است.



همچنین در مثال:

آتَش است این بانگ نای و نیست باد هر که این آتَش ندارد، نیست باد

مولوی

در مصراع نخست، شاعر دو رکن اصلی تشبیه را ذکر کرده؛ اما در مصراع دوم مشبّه به را آورده است که از آن پی به مشبّه می‌بریم.
یا در بیت:

باز امشب ای ستاره تابان، نیامدی باز ای سپیده شب هجران، نیامدی

شهریار

محبوب شاعر (مشبّه) حذف شده و «ستاره تابان» و «سپیده شب هجران» (مشبّه به) به جای آن آمده است.

در مثال‌های زیر نیز این کاربرد مجازی و عاریت گرفتن واژه‌ای به جای واژه دیگر را می‌بینیم:

شب را به بوستان با یکی از دوستان اتفاق مبيت افتاد؛ موضعی خوش و خرم و درختان درهم؛ گفتی که خورده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش درآویخته.

گلستان سعدی

گل‌ها و سبزه‌های رنگارنگ (مشبّه) حذف شده و به جای آن خورده مینا آمده است. همچنین خوشه انگور (مشبّه) حذف شده و به جای آن عقد ثریا آمده است.
برای ساده‌تر شدن سخن، روند رسیدن از تشبیه و ارکان چهارگانه آن به استعاره را می‌توان چنین نشان داد:

تشبیه گسترده	مشبّه	ادات تشبیه	وجه شبه	مشبّه به
تشبیه فشرده	مشبّه	مشبّه به		
استعاره	مشبّه به / مشبّه + ویژگی مشبّه به			

با تبدیل چهار رکن (تشبیه گسترده) به دو رکن (تشبیه فشرده) و باز تبدیل دو رکن به یک



رکن (استعاره)، زیبایی سخن بیشتر می‌شود و کلام رساتر و هنری‌تر می‌گردد. به عبارت دیگر اگر از چهار رکن تشبیه، دو رکن (مشبّه و مشبّه به) باقی بماند، آرایه تشبیه را داریم؛ اگر از دو رکن تشبیه فقط مشبّه به باقی بماند، به آن **استعاره آشکار (مصرحه)** و اگر مشبّه، به همراه لوازم یا ویژگی‌های مشبّه به بیاید، **استعاره پنهان (مکنیه)** می‌گویند. به این نمونه دقت کنید:

گفتا که مرو به غربت و می‌بارید از نرگس تر، به لاله بر مروارید

نظامی

در بیت بالا واژه‌های «نرگس»، «لاله» و «مروارید» در معنای اصلی خود به کار نرفته‌اند؛ بلکه به ترتیب استعاره آشکار از «چشم»، «چهره زیبا» و «اشک» هستند. مثال دیگر:

تا تو را جای شد ای سرو روان در دل من هیچ کس می‌نپسندم که به جای تو بود

سعدی

سرو روان: استعاره از بار است.

به نمونه‌ای دیگر توجه کنید:

نه / این برف را / دیگر سر باز ایستادن نیست / برفی که بر ابرو و موی ما می‌نشیند.

شاملو

همان‌طور که در جدول ملاحظه شد، گاه ممکن است از پایه‌های تشبیه، فقط «مشبّه» (طرف اول) ذکر شود که در این صورت معمولاً یکی از ویژگی‌های «مشبّه به» نیز همراه آن می‌آید؛ برای مثال:

هزار نقش برآرد زمانه و نبود یکی چنان که درآیینۀ تصور ماست

انوری

زمانه (مشبّه) به انسانی مانند شده و نقش برآوردن که از ویژگی‌های انسان است همراه مشبّه آمده است.



گاه در استعارهٔ پنهان، مشبّه موجودی بی‌جان و غیر انسان و مشبّه به محذوف، انسان است که باعث پیدایش **جان بخشی یا تشخیص** در کلام می‌شود؛ برای نمونه:

باغ سلام می‌کند، سرو قیام می‌کند سبزه پیاده می‌رود، غنچه سوار می‌رسد
مولوی

در این بیت شاعر به «باغ»، شخصیت انسانی داده است، زیرا سلام می‌کند و سرو مانند انسان قیام می‌کند و سبزه و غنچه نیز رفتار انسانی دارند.
مثال دیگر:

نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
حافظ

اگر غیر انسان «منادا» قرار گیرد، به این معنا است که آن را «انسان» پنداشته و به او ویژگی انسانی داده‌ایم؛ این نیز تشخیص است؛ مثال:

ای آبشار نوحه‌گر از بهر چیستی؟ چین بر جبین فکنده زانده کیستی؟
زیب‌النساء

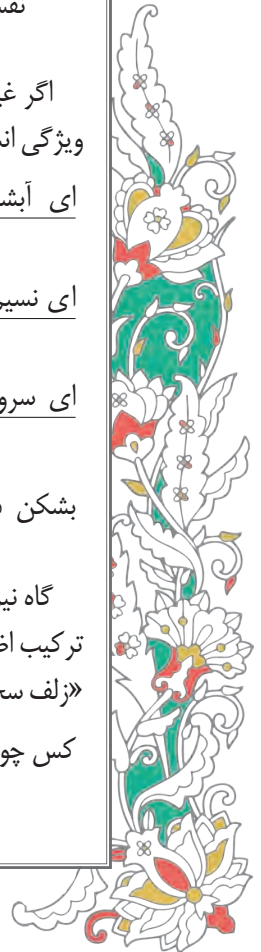
ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست؟
حافظ

ای سرو پای بسته به آزادگی مناز آزاده من که از همه عالم بریده‌ام
رهی معیری

بشکن دل بی‌نوی ما را ای عشق این ساز، شکسته‌اش خوش‌آهنگ تراست
سید حسن حسینی

گاه نیز مشبّه به حذف می‌شود و یک ویژگی از آن به مشبّه اضافه می‌شود و به صورت ترکیب اضافی می‌آید. به این نوع اضافه، اضافهٔ استعاری می‌گویند. ترکیب «رخ اندیشه» و «زلف سخن» در بیت زیر چنین‌اند:

کس چو حافظ نگشاد از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانه زدند
حافظ





خودارزیابی

۱ در بیت‌های زیر استعاره‌ها را مشخص کنید:

(الف) کی‌ام؟ شکوفه‌اشکی که در هوای توهر شب ز چشم ناله شکفتم به روی شکوه دویدم

اوستا

(ب) ای باد بامدادی خوش می‌روی به شادی پیوند روح کردی پیغام دوست دادی

سعدی

(پ) ای گل تازه که بویی ز وفا نیست تو را خبر از سرزنش خار جفا نیست تو را

وحشی بافقی

(ت) هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نچید، در رهگذار باد نگهبان لاله بود

حافظ

(ث) شب ایستاده است / خیره نگاه او / بر چارچوب پنجره من

سپهری

(ج) آینه‌ات دانی چرا غماز نیست؟ زانکه زنگار از رخس ممتاز نیست

مولانا

(چ) دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کای نور چشم من به جز از کشته ندروی

حافظ

۲ تشبیه بیت زیر را بیابید و از آن یک استعاره بسازید و در جمله‌ای به کار ببرید:

دگر باره خیاط باد صبا بر اندام گل‌دوخت رنگین قبا

ملک الشعرای بهار



۳ استعاره‌های آشکار را در بیت زیر بیابید و آنها را به یک تشبیه کامل تبدیل کنید.

صبحگاهی سرخوناب جگر بگشایید ژاله صبحدم از نرگس تر بگشایید

خاقانی

۴ ویژگی‌های شعر کلیم کاشانی را در بیت زیر بیابید و وزن و اژه‌های بیت را مشخص کنید:

ما ز آغاز و ز انجام جهان بی‌خبریم اول و آخر این کهنه کتاب افتاده است





کارگاه تحلیل فصل

۱ غزل زیر را بخوانید و موارد خواسته شده را پاسخ دهید:

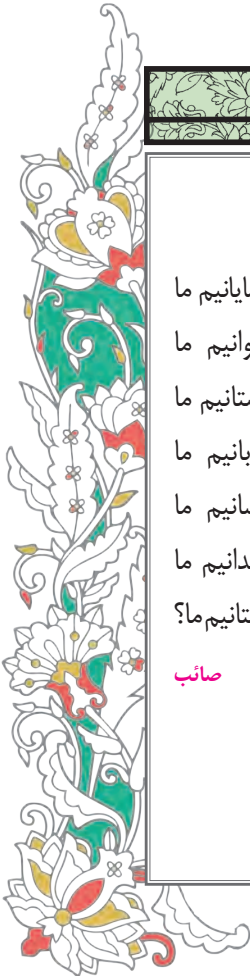
جان به لب داریم و همچون صبح خندانیم ما دست و تیغ عشق را زخم نمایانیم ما
از سیاهی داغ ما هرگز نمی‌آید برون در سواد آفرینش آب حیوانیم ما
پشت چون آینه بر دیوار حیرت داده‌ایم واله خار و گل این باغ و بستانیم ما
از شبیخون خمار صبحدم آسوده‌ایم مستی دنباله‌دار چشم خوبانیم ما
خرقه از ما می‌ستاند نافه مشکین نفس از هواداران آن زلف پریشانیم ما
حلقه چشم غزالان حلقه زنجیر ماست دائم از راه نظر در بند و زندانیم ما
گر چراغ بزم عالم نیست صائب کلک ما چون زبخت تیره دائم در شبستانیم ما؟

صائب

(الف) ویژگی‌های شعر صائب را در غزل بررسی کنید.

(ب) شعر را از نظر زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

(پ) وزن شعر را بنویسید.



۲ متن زیر را از نظر زیبایی‌شناسی و ویژگی‌های فکری بررسی نمایید:

«مجموعه‌ای می‌بایست از هر دو عالم روحانی و جسمانی که هم محبت و بندگی به کمال دارد و هم علم و معرفت به کمال دارد تا بار امانت مردانه و عاشقانه در سفت جان کشد.»

نجم‌الدین رازی

